

نگاهی مقدماتی به

## تحلیل جامعه‌شناختی از قرآن

درباره تضادهای اجتماعی، روانی و فرهنگی نسل جوان امروز

دکتر فرهاد امام‌جمعه

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی اراک

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چکیده

در این مقاله با نگاه جامعه‌شناختی مسأله‌ای با عنوان «تضاد اجتماعی - روانی نسل جوان» بررسی شده است. ابتدا به تعریف و تفسیر ابعاد مختلف تضاد اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخته شده و سپس دیدگاه و برداشت قرآن‌شناختی نگارنده آمده است. به نظر نگارنده با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی می‌توان به طور علمی و کاربردی از میزان تضادهای اجتماعی - روانی نسل جوان کاست.

کلیدواژه‌ها: تضاد اجتماعی، جوانان، فرهنگ، جامعه.

## ۱. بیان مسأله

سؤال حاکم بر مباحث این مقاله آن است که آیا تضادهای اجتماعی - فرهنگی و عواقب اخلاقی - رفتاری آن که در بخش بزرگی از گروه‌های جوان جامعه امروز وجود دارد، با رجوع به آرای اسلامی - قرآنی قابل حل است؟

در این مقاله به جنبه تضاد اجتماعی - فرهنگی در جامعه امروز می‌پردازیم. در فرهنگ علوم اجتماعی ذیل عنوان تضاد آمده است:

تضاد از ریشه Conflict به معنای برخورد کردن و مبارزه کردن گرفته شده است. هرگاه دو یا چند گروه به جهت تألیف اندیشه یا منافع در حال تعارض آشکار و عدم توافق آمیخته با خشونت و مانند آن باشند، با وضعی مبتنی بر کشمکش مواجه خواهند بود<sup>۱</sup>.

این تضاد صورت‌های گوناگونی دارد. از تقابلهای اجتماعی گرفته تا کشاکش‌های بین‌المللی. نظریه‌پردازان اجتماعی، موضوع تضاد در جامعه را با اعتقادی خاص مورد توجه قرار می‌دهند.

رالف دارندروف (۱۹۵۹م.) یکی از جامعه‌شناسان آلمانی معتقد است: تضادها در جامعه، صفت تودرتو دارند و بر یکدیگر منطبق نمی‌شوند. وی مدعی است که کشمکش اصلی در جامعه به توزیع نابرابر قدرت و اقتدار و آنچه باعث پدید آمدن منافع متعارض می‌شود، ارتباط دارد و از رهگذر آن است که روابط سلطه‌گر و زیردست بودن در جامعه بوجود می‌آید<sup>۲</sup>.

سلطه‌گران جامعه، روابط اجتماعی و الگوهای فرهنگی در جامعه را به نحوی تنظیم می‌کنند که توجیه‌گر قدرت‌شان باشد؛ هر چند که عواقب منفی جهت ایجاد آگاهی‌های کاذب و دروغین، اغفال اجتماعی، تک‌بعدی شدن و سرگردانی‌های فراوان در مردم و افراد زیر دست بوجود آید.

قرار گرفتن جوامع امروز در مسیر گذر و تحول به سوی رشد و توسعه صنعتی و اقتصادی، پاره‌ای از تضادهای اجتماعی - فرهنگی را برای اعضای این جوامع بوجود آورده است؛ از جمله:

- تضاد سنت با مدرنیسم؛

- تضاد قانون‌گرایی با روابط عاطفی و فامیلی؛

- تضاد مصرف‌گرایی با کار و فعالیت خلاق علمی و فنی؛

- تضاد فرهنگ ذهنی‌گرایی و تعصب‌گرایی پیشین با فرهنگ دارای سنت‌های

عقلی، عینی و برنامه‌ریزی برای زمان حال و آینده<sup>۲</sup>.

در چنین مناسبات اجتماعی، بخش بزرگی از نسل حاضر نمی‌داند، سنتی باشد یا متجدد؛ اهل قانون و ضوابط عقلی باشد یا تحت تأثیر روابط فامیلی، درون‌گروهی و عاطفی؛ قانع به داشته‌های خویش باشد یا در حرص مصرف روزافزون تقلیدی به سر برد و نگران از این که مبادا از دیگران عقب بماند و مورد بی‌احترامی و بی‌اعتنایی و تمسخر دیگران واقع شود<sup>۳</sup>.

بنابراین نسل امروز جامعه سخت در گردونهٔ پریشانی، ابهام و تقلید از ژست‌های گوناگون و متناقض قرار گرفته است و نمی‌داند که چگونه برای رسیدن به اهداف خود در جامعه از هنجارها و شرایط موجود جامعه به درستی استفاده کند. این نسل از یک سو نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی (فقر و بیکاری و...) را می‌بیند و حتی خود احساس می‌کند؛ اما از سوی دیگر می‌خواهد، به رفاه و منزلت بالای اجتماعی برسد. لیکن نابرابریها فزونی یافته و فرصت‌ها بسیار محدود شده است؛ لذا نسل جدید خود را تنها و بیگانه و دچار مشکل احساس می‌کند. نسلی که خود را در معرض سیل فشار تبعیض و نابرابری می‌بیند، نمی‌داند چگونه و با چه ابزاری می‌تواند، به اهداف فردی و اجتماعی اش برسد. قبل از ورود به بحث اصلی، بهتر است این سؤال را مطرح کنیم که آیا تضادهای اجتماعی در جامعه امروز وجود دارد؟ خاستگاه این تضادها در کجا باید جستجو کرد؟ این تضادها چه نظم‌ها و شرایط ساختاری را رقم زده است؟ آیا این نظم‌ها و شرایط ساختاری آزار دهنده قابل تغییر و اصلاح هستند؟

برخی از جلوه‌های تضاد اجتماعی - فرهنگی به این قرار است:

متجدد بودن و در برابر آن هنجارهای سنتی را رعایت نمودن؛

عالم و کارشناس واقعی شدن، اما از تلاش برای معاش و زندگی روزمره عقب نماندن؛

استقلال شخصیت انسانی و با هویت انسانی ماندن؛ اما ملاحظه‌کاری کردن و از صاحبان قدرت‌های طاغوتی و ثروت‌های نامشروع ترسیدن و اطاعت محض کردن از آنان؛

دوستی ورزیدن و دوست داشته شدن، اما تنها کار خود را کردن و در اندیشه جمع‌آوری مال و قدرت برای خود بودن؛

علاقه به اظهار اندیشه نمودن، اما وابسته به قول این و آن شدن؛ ایمان به پایداری ارزشها و عقاید دینی و انسانی داشتن، اما به هر نحوی در جستجوی ثروت و قدرت بودن و...

اینها صورت‌های دیگری از تضادهای اجتماعی - فرهنگی در جامعه امروز است که آثار روانی و اخلاقی مطابق با خود را در روحيات نسل کنونی بوجود آورده است.

اگر در ماهیت رفتار و پندار نسل جدید بیاندیشیم، می‌بینیم که نسل جدید می‌خواهد خود را آراسته به آداب و ابزار تمدن جدید کند. برای نمونه این نسل می‌خواهد تحصیلات دانشگاهی را تجربه کند و از این‌رو اهل شک و سؤال شده است. فکر می‌کند و می‌خواهد فکر خود را عرضه کند. می‌خواهد برای اندیشه و اظهار فکر و سؤال او گوش شنوایی وجود داشته باشد؛ اما از سوی دیگر این نسل با الگوهای ساختاری پدرسالار و سنتی موروثی مواجه می‌شود. نسل کنونی کمتر خود را دارای جسارت و شجاعت منطقی و انسانی در برابر صاحبان قدرت و ظاهراً دارای فضل و دانش می‌بیند و بیشتر آموخته و عادت نموده است که ساکت و صامت و محجوب باشد. این گونه است که قدرت پرستی و گاه شخصیت پرستی و ترویج احترام‌های دروغین و ایده‌های سنگ‌فکرانه و تنگ‌نظرانه ملوک دارای جاه و موقعیت برتر اجتماعی در فضای فرهنگی جامعه شاخص می‌شود.

جوان امروز نمی‌داند، آیا با روحیه دانشگاهی و تفکر عقلی و شک‌گرایی انتقادی در روابط اجتماعی - فرهنگی پیش قدم شود؟ یا بالعکس، ساکت و زبان بسته و فکر و دل خاموش باشد تا این‌که مبادا با آنها برخورد شود. ما معتقدیم نسل جوان امروز در دایره تضادهای اجتماعی و فرهنگی سنگینی قرار گرفته است. این واقعیت مسائل و آسیب‌های روحی و اعتقادی فراوانی را در شخصیت اجتماعی جوانان پدید آورده است. علائم این آسیب‌شناسی انقباض بینش و روحیه و گاه واکنش‌های انتقادی و هیجانی شدید و به صورت خشونت‌های مقطعی و ناسازگارهای اجتماعی با خانواده و نظام فرهنگی و قانونی جامعه خودنمایی می‌کند.

## ۲. پاسخ مسائل مطروحه از آیات قرآن

به اعتقاد نگارنده در خصوص مسائل مذکور می‌توان الگوها و پاسخ‌های مناسبی را از قرآن کریم به دست داد.

در قرآن می‌خوانیم که خداوند حکیم، خالق ناظر کل عالم است. ما برای رفع نقائص خویش نیاز داریم، به صفات الهی تخلق پیدا کنیم. همه عالم از اوست و به سوی او در حرکت است.<sup>۵</sup> مهربان و دوست حقیقی آدمی تنها و تنها خداوند کریم و اولیای بر حق اوست. همه عالم و ذرات آن برای تکریم و ستایش او در جنبش‌اند؛<sup>۶</sup> اعم از موجودات دارای آگاهی و قوه ناطقه و فاهمه و نیز موجودات فاقد آگاهی و قوه ناطقه. خداوند جل جلاله سازنده اساس و بنیاد هستی است و تنها اوست که باقی و برقرار و جاویدان است.<sup>۷</sup> لذا تنها او در همه جا<sup>۸</sup> به عنوان نیروی قادر و کامل و صانع و خالق هستی وجود دارد.

این خالق، مخلوق خود را دوست دارد<sup>۹</sup> و اگر مخلوق به سوی او حرکت کند، او را می‌پذیرد و به مراتب کمال می‌رساند.<sup>۱۰</sup> هرگاه آدمی بخواهد الفبای آدمیت خود را بیابد، ضروری است که به سوی صانع و خالق مهربان و رحیم خویش

حرکت کند<sup>۱۱</sup>؛ زیرا اوست که از روح خود در آدمی دمیده است<sup>۱۲</sup>. اگر آدمی از خدا که از رگ گردن به او نزدیک‌تر است<sup>۱۳</sup>، غفلت ورزد، از هویت خویش دور می‌شود؛ لذا وحدت خاطر و اندیشه‌ای ندارد و نهاد دل و روان او به سوی وحدت پیش نمی‌رود و بیشتر به سوی کثرت حرکت می‌کند. از این روست که انسانها به دام پریشانی و احساس نگرانی و خسارت می‌افتند.

اگر آدمی نتواند این معنا را بفهمد و نتواند خویش را به صفات الهی بیاراید، به آسیب‌های فراوان روحی، اجتماعی و فناپذیری کامل در این عالم خاکی دچار می‌شود.

به اعتقاد نگارنده یکی و شاید مهم‌ترین زمینه‌ قرار گرفتن در چالش تضادهای اجتماعی و روانی، آن است که انسان نتواند خویش را در وحدت قرار داده و به روی حبیب حقیقی و خالق راستین و مهربان خویش که منشأ رحمت‌ها و برکت‌های عالم است، باب توسل، توکل<sup>۱۴</sup>، عبادت<sup>۱۵</sup> و رضایت<sup>۱۶</sup> را بگشاید و از هر چه غیر اوست، بپرهیزد<sup>۱۷</sup> و حتی بر کافرین و ظالمین بشورد<sup>۱۸</sup>.

اگر آدمی نور ایمان را در خویش نیابد، همواره در چاه ویل ناتوانی‌ها و سرگستگی‌های خویش باقی خواهد ماند و فشار تضادهای اجتماعی و روانی هر لحظه در او بیشتر شده و هیچگاه از میان نمی‌رود.

آموزه‌های قرآن متأسفانه در گذشته چندان کاربرد عینی نداشته و بیشتر ظاهر آن محترم بوده است و در قبرستان‌ها یا در سفره‌های عقد و پاگشایی عروسها و منازل مسکونی جدید حضور داشته است.

عده‌ای به قرائت صوری الفاظ قرآن می‌پردازند؛ بدون آنکه معانی آن را فهم کنند؛ در حالی که اگر قرآن را با نیاز، ایمان، تواضع، توجه و تفکر بخوانیم، می‌بینیم که خداوند چه زیبا و ظریف و حکیمانه پیام می‌دهد:

۱- در آیات و نشانه‌های او در طبیعت، فضا، زمان و مکان، جامعه و نفس انسانی و تاریخ بیانده‌اید<sup>۱۹</sup>.

۲- چشم بسته چیزی را نپذیرید و از آنچه به آن آگاهی ندارید، پیروی نکنید.

۳- خود را گرفتار نیاکان و اجداد خود نکنید.<sup>۲۰</sup>

۴- از ابزارهای شناخت از جمله چشم، گوش، قلب و فکر استفاده کنید. اگر از این ابزارها استفاده نکنید، چون چاربیان و بلکه بدتر از آنها خواهید شد.<sup>۲۱</sup>

۵- به آنچه می دانید و می گوئید، عمل کنید.<sup>۲۲</sup> اگر عمل نکنید، چون حماری می شوید که تنها اسفار و اوراق را با خود حمل می کنید.<sup>۲۳</sup>

اگر قرآن به عنوان یک اثر علمی مطالعه شود، آموزه های نو و پویا و متنوعی را به دست خواهیم آورد؛ البته علم نه به معنای علم رسمی روز، بلکه به معنای علمی که بر قلب مبارک اولیای خدا القا می شود و طالبان حقیقت عالم غیب را به سوی خود می کشاند. شرط فراگیری آموزه های قرآنی آن است که با توجه و دقت تمام و تواضع و ایمان مخلصانه در آیات آن بیاندیشیم. در آن صورت خواهیم توانست، پاسخ بسیاری از مسائل و بحرانهای اجتماعی - روانی انسان و جوان امروز را در آن پیدا کنیم.

به اعتقاد نگارنده از آیاتی که پیشتر ذکر شد، می توان بهره های کاربردی فراوانی را در جهت حل تضادهای اجتماعی - روانی نسل جوان امروز بدست آورد. نویسنده در این زمینه با بهره ای که از آیات جان بخش قرآن کریم برگرفته، ملاکها و نظریات ذیل را توانسته، استخراج کند:

۱- با الهام از بینش قرآنی استفاده می شود که مناسب است در برنامه های آموزش و پرورش و دانش آموختگان مدارس، توجه به طبیعت و گردش های علمی و سیر و سیاحت در طبیعت به عنوان یک اصل شمرده شود تا این که نوجوان و جوان خود را در دامن طبیعت بشناسد.

متأسفانه یکی از فرضهای خام ما این است که عقاید خودمان را بر جوانان تحمیل کنیم. غافل از این که به این وسیله ایشان را از توجه به ذات اقدس حضرت حق دور می کنیم. باید دانست که ذهن و روح جوانان امروز همانند اسفنج نیست که هر وقت هر کاری بخواهیم، بر روی آن انجام دهیم. بهتر آن است که اهتمام به توصیه قرآن کنیم که جوانان را با طبیعت و جلوه های گوناگون آن همواره آشنا

کنیم. قرار گرفتن در دامن طبیعت، نشاط و شادی طبیعی ایجاد می‌کند و روح آدمی را برای جذب و یادگیری آماده می‌سازد.

۲- به نفس و شأن انسانی جوانان پیش از بیش احترام بگذاریم. خداوند عزیز آن همه حرمت و حسن و کرامت برای گوهر جان آدمی قائل است. اگر ما هم قدری از این بینش و ادب الهی بیاموزیم، اتفاقات بسیار ارزشمندی در زندگی اجتماعی رخ خواهد داد. اگر ما بزرگترها پیشقدم به تقدیم رعایت ادب و احترام انسانی نشدیم، چگونه می‌توانیم از جوانان توقع رعایت آن را داشته باشیم.

سیلی نامرئی به جوان همین است که او را بدون هیچ گونه شناختی، تحقیر کنیم یا خطاب به او سخن بگوییم؛ بدون آنکه برای سؤال و اندیشه او ارزشی قائل باشیم یا او را در طرح‌ها و برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی مشارکت دهیم. جوانان گوهرهای شریف الهی هستند که با رشد بینش و نفس ملکوتی‌شان نعمت فرهنگ و تمدنی بزرگ و ارجمند را برای جامعه به دنبال خواهد داشت. به اعتقاد نگارنده اگر از لحاظ تربیتی - فرهنگی جوانان را با تحقیر و تمسخر ننگریم و نگرش ابزاری نسبت به ایشان نداشته باشیم، بسیاری از مسائل اجتماعی - روانی جوان حل می‌شود.

باید به فکر و اندیشه و اعتقادات آنها دقیقاً توجه کنیم و سپس با آنها باب گفتگو و همراهی را باز کنیم. آنها را دشمن یا مزاحم نیانگاریم. دوستشان بداریم تا آنها نیز با مریبان و مدیران، احساس محبت و نزدیکی کنند.

۳- دستور خداوند به اهل ایمان این است که تنها از چیزی باید پیروی کنند که از آن آگاهی دارد (و لا تفف مالیس لک به علم).

اگر مسلمانان به این آیه قرآن گوش دل سپارند و عمل کنند، بسیاری از مسائل اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و حتی تضادها و بحرانهای فرهنگی حل می‌شود. متأسفانه به جای آنکه برای جوانان، تولید آگاهی و بینش کنیم و به گرایش پرسش‌گری، کنجکاوی و جستجوی آنها پاسخ دهیم، همواره به جوان امر و نهی می‌کنیم تا آنان را مرید و پیرو خود کنیم؛ غافل از اینکه جوان امروز الزاماً راه



پدران و گذشتگان خود را طی نمی‌کند. باید جوان امروز را موجود چشم و گوش بسته ندانیم.

۴- با الهام از پیام الهی قرآن دانستیم که انسان‌ها در نظام آفرینش از کرامت و عزت و هويت نیکو و زیبای الهی برخوردارند و هیچ تبعیض و نابرابری بین آنها وجود ندارد. این خطر بزرگی است که جوان احساس کند، در برابر دیگران فاقد کرامت و عزت انسانی است. همین احساس است که او را به سوی تضادهای اجتماعی - روانی عذاب‌آوری می‌کشاند و او را از جامعه اعم از خانواده و مدرسه و... بیزار می‌کند.

اگر مدیران و مریبان جامعه خود را موجودات برتری نپندارند و با جوانان بسیار عادی و در ارتباط چهره‌به‌چهره باشند، می‌توانند اعتماد آنها را به خود خود جلب کند.

تا بشر از انانیت خود نگذرد و هوسهای خود خواهانه را در خود از بین نبرد، نمی‌تواند در مسیر کمال، آزادی و دوستی حقیقی قرار گیرد و نیز نمی‌تواند، شیرینی و حلاوت عمل صالح، انصاف، تقوی، اخلاص و احسان، ارتقای فکر و وجدان را در عالم معنا و نیز اکسیر شفا بخش عشق و اشتیاق به دیدار دوست را بفهمد؛ زیرا همه چیز را برای خود می‌خواهد؛ لذا چنین شخصی نمی‌تواند داور منصف و عادل باشد. همین‌طور نمی‌تواند به‌طور حقیقی مهربانی و دوستی بورزد و اگر آن را ادعا کند، دروغ می‌گوید؛ زیرا دیگران را برای خود می‌خواهد. او نمی‌تواند معنای درست عشق را بفهمد؛ زیرا معشوق را برای کمال و جمال و جلال او نمی‌خواهد؛ بلکه معشوق را برای خدمت به نیازها و تمناهای نفس ظلمانی خود می‌خواهد. نمی‌تواند به سوی کمال، نور، معرفت، آزادی و رستگاری و اشتیاق به عمل صالح حرکت کند؛ چون آن قدر حوائج نفسانی از قبیل شکم‌پرستی، پول‌پرستی، شهرت یا مقام‌پرستی، جمع‌آوری اموال و توجه به زن و فرزند و امثالهم هست که باید در استخدام و گرفتار آنها باشد.

با ذکر چند مثال در حوزه آموزش و پرورش در زمینه جوانان بیشتر می‌توانیم،

به درستی و حقایقیت پیام قرآن پی ببریم. آیا فکر کرده‌ایم که چرا جوان ما در دبیرستان و دانشگاه نمی‌تواند اندیشه خود را به دقت تنظیم و با جسارت به عنوان یک طرح و فکر تازه عرضه کند؟ در حالی که مدرسه و دانشگاه جای شکوفایی پرسشها و اندیشه‌ها و نظریات اساسی او در حوزه علم و دانش است. علت آن است که جوانان به ظاهر در مدرسه و دانشگاه هستند؛ اما در واقع فکر، روح و دل‌بستگی‌شان با مدرسه و دانشگاه نیست.

ما به پیام قرآن گوش دل نسپرده‌ایم و نگذاشته‌ایم، آن وجه خلقت عالی انسان یعنی نفخه الهی او، فرصت ظهور و بروز پیدا کند. اجازه نداده‌ایم، فطرت کریم و عزیز انسانی او فعال شود تا بتواند به سوی شناخت حقیقت خود و استفاده درست از گوش و چشم، تفکر و درک قلبی (شهودی) حرکت کند. ما کلاسهای درس و مدرسه و دانشگاه را فقط برای خود و رفع حوایج نفسانی خودمان می‌خواهیم. به همین دلیل است که محیط‌های آموزشی امروز به محیط‌های تجاری تبدیل شده و لذا زمینه پرورش انسانهای فاضل و الگوی علمی - اخلاقی را نمی‌تواند تربیت کند.

۵- عالمان عامل در حل تضادهای اجتماعی - روانی نسل جوان تأثیر بسزایی می‌گذرانند. تأکید عالمان بر حل مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوانان در عمل، برکات همبستگی و وحدت ایمانی و اخوت صادقانه را در جامعه افزایش می‌دهد؛ زیرا عالمان راه درمان دردها و مسائل را می‌دانند؛ اما اگر عالمان سکوت کنند یا عمل مربوط به حوزه علم خود را کنار بگذارند، خسارت‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه فزونی پیدا می‌کند. جوانی که نمی‌تواند فاصله و بیگانگی خود را با فرهنگ دینی و نظام اجتماعی حل کند، این بیگانگی و فاصله در او بیشتر می‌شود و جوان در لابه لای تبعیض‌ها و نابرابریها و کشمکش‌های اجتماعی فرسوده شده، به دام مشکلاتی چون فقر، بیکاری، اعتیاد و دیگر آسیب‌های اجتماعی - روانی گرفتار می‌شود.

### ۳. جمع‌بندی و استنتاج

نیت حاکم بر این مقاله با سبک نگارش بحث‌های اجتماعی طرح یک مسأله جامعه‌شناختی تحت عنوان «تضاد اجتماعی - روانی نسل جوان» بوده است. به علاوه در زمینه موضوع، مثالهایی مختصر از محیط‌های آموزشی - فرهنگی جوانان مطرح شده است. مبنای تحلیل نگارنده، نگرش و برداشت از پاسخ‌های قرآنی در خصوص مسأله مذکور است. ابتدا به تعریف و تفسیر ابعاد مختلف تضاد اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخته شده و سپس دیدگاه و برداشت قرآن‌شناختی نگارنده به همراه استناد به چندین آیه قرآنی آمده است. به نظر نگارنده با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی که در متن مقاله آمده است، می‌توان به طور علمی و کاربردی از میزان تضادهای اجتماعی - روانی نسل جوان کاست.



### پی‌نوشت‌ها

۱. بیرو، آنی، «فرهنگ علوم اجتماعی»، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، تهران: کیهان، ۱۳۶۶، ص ۶۲.
۲. آبرکرای، نیکلاس و... «فرهنگ جامعه‌شناسی»، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش، ۱۳۶۷، ص ۷-۸۶.
۳. نگاه شود به: عظیمی، حسین، «مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران»، تهران: نی، ۱۳۷۱، مبحث فرهنگ.
۴. نگاه شود به: امام‌جمعه، فرهاد، مقاله «اختلال در روند اجتماعی شدن جوانان» قسمت سوم، هفته نامه سرچشمه استان مرکزی، ش ۴۲ به تاریخ ۱۳۷۹/۴/۳۰، ص ۶.
۵. انا لله و انا الیه راجعون (بقره/۱۵۶).
۶. سوره اسراء/ ۸۰ و حشر/ ۵۹؛ و سوره تغابن/ ۱.
۷. سوره رحمن/ ۲۷: کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام.
۸. بقره/ ۱۷۷: لیس البران تولوا و جوهکم قبل المشرق و المغرب.
۹. بقره/ ۱۹۵؛ آل عمران/ ۱۳۴.

همچنین حدیث قدسی معروفی از حضرت رسول ﷺ نقل می‌شود که فرموده‌اند: «کنت کنزاً مخفیاً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف» (فروزانفر، بدیع الزمان، «احادیث مشنوی»، امیرکبیر، ص ۲۹) حضرت حق جل جلاله فرمود که: من گنج نهفته‌ای بودم، دوست

داشتم شناخته شوم؛ پس انسان را خلق کردم تا شناخته شوم.

۱۰. سوره عنکبوت / ۶۹.
۱۱. در قرآن مکرر آمده است که: بسم الله الرحمن الرحيم (به نام خداوند بسیار بخشنده و مهربان) الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم (سوره رحمن / ۲-۱).
- به اعتقاد نگارنده، سنگ بنای پرورش و تربیت روح آدمی، شکر مداوم از نعمت‌های بی‌شمار خداوند است که در اختیار ما نهاده است. هر چه شکر و سپاس این نعمت‌ها به عمل آید، می‌توان به منشأ کمال عالم و نظام آفرینش نزدیک‌تر شد و مسیر هدایت خود را پیدا کرد.
۱۲. سوره سجده / ۹.
۱۳. سوره ق / ۱۶ و واقعه / ۸۵.
۱۴. سوره آل عمران / ۱۵۹.
۱۵. سوره ذاریات / ۵۶.
۱۶. سوره رعد / ۲۸.
۱۷. سوره بقره / ۱۶۳.
۱۸. سوره‌های آل عمران / ۵۶؛ فتح / ۲۹؛ بقره / ۱۴۰؛ توبه / ۱۰۹؛ هود / ۱۸.
۱۹. اشاره خداوند در قرآن به طبیعت بسیار فراوان است. از آب گرفته تا بارش باران و رویش گیاهان، زمین و آسمان و آنچه بین آنهاست. درختان و میوه‌ها و گاو، شتر و دیگر چارپایان. زیتون، زنبور عسل، انجیر، خرما و...  
به علاوه برخی از سوره‌های آن به پدیده‌های طبیعی نامگذاری شده است؛ مانند: رعد، مائده، نحل، نور، نمل، عنکبوت، نجم، بروج، انشقاق، فجر، شمس، لیل، ضحی، تین، زلزله، فیل، فلک، ناس، انسان و...  
نگاه شود به: سوره اسراء آیه ۷۰ و سوره نمل آیه ۳۶، تین آیه ۹۵.
۲۰. سوره مائده، آیه ۱۰۴ و سوره‌های اعراف / آیه ۷۰ و ۲۸ و انبیاء، آیات ۶-۵۲ و ابراهیم، آیه ۱۰.
۲۱. سوره اعراف آیه ۷.
۲۲. سوره صف / آیه ۱-۲.
۲۳. سوره جمعه / آیه ۶.